

مجلس هفتم و قانون عدالت جنسیتی

اگر مجلس ششم با شعار اصلاحات سیاسی تشکیل شد و هر روز - در هیاهوی مطبوعاتی - خبرهایی از ارائه طرح‌های جرم سیاسی، منع شکنجه، تشکیل هیئت منصفه، اصلاح قانون مطبوعات، اصلاح قانون انتخابات برای حذف نظارت استصوابی یا گزارش‌هایی از احضار نمایندگان مجلس یا دستگیری فعالان سیاسی و مطبوعاتی از آن به گوش می‌رسید، مجلس هفتم با شعار رفع محرومیت‌های اقتصادی و اجتماعی و دوری از تنش‌های سیاسی تشکیل شده است.

با این همه، مجلس هفتم نیز در انجام اقدام‌های مربوط به زن می‌کوشد تا از مجلس ششم عقب نماند هر سخن، حرکت و اظهار نظر راجع به زنان در مجلس هفتم پژواک زیادی در جامعه دارد، به طوری که با گذشت سه ماه از تشکیل این مجلس، به جرئت می‌توان گفت حجم اخبار خروجی مربوط به زنان با همه اخبار دیگر مجلس اعم از اقتصادی و سیاسی برابری کرده است. از همان روزهای اول، شناخت نمایندگان زن مجلس هفتم، نحوه تقسیم سمت‌های مدیریتی مجلس و سهم زنان از آن‌ها، نحوه عضویت زنان در کمیسیون‌های تخصصی، بحث حجاب و احتمال ایجاد محدودیت‌های اجتماعی و... همگی بحث‌هایی بودند که در حاشیه فعالیت مجلس هفتم مطرح شدند.

بخشی از وقت مجلس هفتم به حل مشکلی اختصاص یافت که در مجلس ششم راه حلی نیافت:

دولت خاتمی با گنج‌نابیدن عدالت جنسیتی در بند هـ از ماده ۹۹ - در برنامه چهارم - کوشیده بود تا هم خود را به گرداب پرسش‌های فقهی نیندازد، هم برای زن - هر چند با کلی گویی - کاری کرده باشد؛ چنان که نه سیخ بسوزد و نه کباب!

داستان تلاش مجلس ششم برای تحمیل کار مجلس بر مجمع تشخیص مصلحت نظام، در گروه کاری جداگانه است؛ کاری متفاوت با هاشمی ستیزانی که از هیچ فرصتی برای ضربه‌ای به او، نمی‌گذرند! هاشمی اما چنان بی‌تجربه نیست که بار درگیری‌های تازه را به سود کسانی عهده دار شود که در گذشته تا توانسته‌اند در تخریب او کوشیده‌اند!

به هر روی برای روشن شدن همه‌ی ابعاد آن کار در دولت خاتمی در پیوند با مجلس ششم و مجمع تشخیص مصلحت نظام با توجه به حساسیت‌های فقهی و دیدگاه‌های شورای نگهبان، نیاز به بررسی جامع و دقیقی فارغ از هیاهوی سیاسی داریم. بویژه که مجلس هفتم نیز ناگزیر باید از آن معما گره می‌گشود که گویی گام نهادن در آن گرداب را ناصواب می‌دید و به گونه‌ای - با حذف تعبیر کلی که دولت خاتمی آورده بود - خود را از معرکه خلاص کرد.

پایان شاهنامه!

شنیدنی‌تر از آن چه گذشت، داستان منیژه حکمت است که تلاش او برای تولید برنامه‌ای - در قالب فیلم - برای یک صد سالگی مجلس، از بد حادثه با تحصن نمایندگان هم زمان شد؛ هر چه او می‌گفت: کار من نه فراهم کردن فیلم انتخاباتی برای مشارکت که فارغ از درگیری‌های سیاسی‌ست، هم چنان رقیب با بد بینی به او می‌نگریست. کسانی که بخواهند آن داستان طنز گونه را نیک بدانند، با نگاهی به مطبوعات دو طرف - در پایان عمر مجلس ششم - می‌توانند راهی به شناخت واقعیت بیابند.

اگر کار منیژه حکمت در تولید فیلم - به لحاظ سیاسی - گیر و گره‌هایی داشت، این واقعیت اما روشن بود که باید برای کارآمد کردن آرشيو مجلس چاره‌ای اندیشید. بر آرشيو که گنجینه‌ای بی‌بدیل به لحاظ اسناد تاریخی‌ست، غبار نشسته است؛ غبار ناشی از کهنه بودن و منطبق با

شرایط روز نبودن! اگر خانم حکمت به سبب تنگنا پرده از این راز برنمی‌داشت، نمایندگان مجلس ششم با مجلس و آرشیوش بدرود می‌گفتند؛ بی آن که در آن بازار مسگرها؛ فرصتی فراهم شود تا لااقل این مشکل را بشناسند. امید که مجلس هفتم در گره گشودن از مشکل‌هایی از این دست - که رنگی از سیاست ندارد - چاره‌ای بیندیشد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

در آمدگونه‌ای بر آن چه از این پس می‌خوانیم:
داستان اقدام‌های نمایشی رژیم گذشته - به نام دفاع از حقوق
قشرهای محرومی چون زن، کارگر و کشاورز - روشن‌تر از آن
است که نیازی به توضیح باشد.
با این همه، آن چه را از این پس آورده‌ایم، تنها با شاخص‌های
رایج در اصلاحات نمایشی و فرمایشی‌ست. برای تحلیل و ارزیابی،
به کارهای دیگری نیازمندیم:

یاد

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی